

### متن پرسش

بسم الله الرحمن الرحيم سلام استاد: ببخشید چند سوال دارم که عقل خودم از جواب عاجز شده خیلی وقت است روی اینها مانده ام. ۱. مگر منشا هر خوبی خداوند نیست؟ و منشا هر بدی شیطان و نفس اماره خوب پس چرا آقای ..... فرمود ممکن است گاهی که برای نماز شب برمیخیزی به کمک شیطان باشد اگر مثلا تو صفت رذیله ای داشته باشی و این حرف در فضای مجازی پر شد، خوب اگر اینچنین باشد خود من دچار وسواس شده ام که هر شب که بیدار می شوم وسوسه شیطان است یا صدای خداوند که بنده را ندا می کند برای عبادت؟ خوب اینکه با آن روایت تعارض دارد که می فرماید ملائکه هر شب بندگان را صدا می زنند برای نماز شب؟! و با این مطلب که اراده الهی بر همه چیز حاکم است حتی بر وسوسه شیطان؟ و اینکه فرضا آدم بد باشد، بد اخلاق باشد مگر با عملی غیر از نماز اول وقت یا نماز شب هست که انسان در آن از خداوند طلب اخلاق حسن کند؟ و یا شخصی چنان بوسیله نماز شب تکبر بگیرد که اعمال بد خود را نبیند، خوب مگر آن عمل بد اجازه می دهد این اهل نماز شب باقی بماند؟ چرا سنت خداوند را (مبنی بر منشا هر خوبی خداوند است) را به این راحتی در اذهان تغییر می دهند که عمل خوب ترک شود به بهانه وسوسه شیطان بودن؟ یا دیدم کسانی که می گویند من نماز شب نمی خوانم چون فلان رذیله را دارم. ۲. می دانم ما همه قلب ایم و لطیف و زره ای داریم از عقل که این جسم لطیف را در بر گرفته تا به مقصد برسد و آسیب نبیند در برابر وسوسه های خناسان و شبهات گوناگون، خوب حالا من پذیرفته ام که با عقل خودم به دنبال جواب سوالات متعددی بگردم که دایما در وجودم شکل می گیرد فهمیدم راه رشد من همین است که در دنیای پر از واجب و حرام به طهارت جوارح برسی و در دنیای پر از تعارضات عقلانی به عدالت برسی و گریزی نیست. خوب این قلب بیچاره باید با صلاح و در دایم در حال جنگ باشد با تضادها تا دم مرگ، اما چه کنیم که در حال جنگ توجه به مبدا هستی، ذات باری تعالی از دست نرود؟ در نماز فهمیدم که باید زره از تن به در کرد و سلاح ها را انداخت تا وجودش را حس کنی و وجودش را حس می کنم، پر می گشایم و پرواز می کنم اما اینکه بعد از نماز دوباره این بنده بیچاره و مفلوک می ماند و آن همه لشکر اعدا و عصفاه. که نمی تواند توجه خود را حفظ کند و غفلت او را فرا می گیرد از جان جانانش چگونه تمرین کنم وقتی در بین بندگان هستم نیز با خدا باشم؟ مدتی به خود می گفتم اینها را جلوات خداوند فرض کن ولی نمی شود اگر چنین کنم هیچ یک از بدی های آنها را نمی بینم و آن وقت از امر به معروف و نهی از منکر و... یادم می رود و اصلا مگر می شود در بندگانی که حق در وجود آنها تجلی نکرده خدا را دید؟! چگونه در

این دنیا باشیم ولی لذت ببریم؟ منظورم آن لذت جز خدا ندیدن است. ۳. پاسخ سوال ۸۸۳ را ندادید اگر نخواستند جواب دهید که انتخاب با شماست ولی اگر به ایمیل پاسخ گفتید، چیزی دریافت نکردم؟ ممنونم.

#### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱. منظور آن است که اگر کسی مطابق هوشش نماز خواند یا قصدی غیر الهی داشت، متوجه باشد پای شیطان در میان است، نه این که مؤمنین که بر اساس رعایت دستورات الهی و به قصد عبودیت نماز می‌خوانند، بی‌دلیل گمان کنند پای شیطان در میان است. ابداً! ۲. همان طور که به خوبی متوجه شده‌اید عقل انسان کمک می‌کند تا انسان راه را درست برود و گرفتار خرافه نگردد، ولی از آن به بعد این قلب است که کار را جلو می‌برد و همواره همان حضور قلب در عبادات در امورات زندگی ما را همراهی می‌کند. ۳. جواب سؤال مذکور این طور داده شد: ۲۳۸۸۳. باسمة تعالی: سلام علیکم: وقتی جسم ضعیف شود این مشکلات پیش می‌آید و تعادل بین جسم و روح به هم می‌خورد. زیر نظر پزشک، خودتان را به طور کامل از نظر بدن تقویت کنید و از عبادات خود بکاهید، فعلاً فقط در حد انجام واجبات، تا بدن به جایگاه خود برگردد. موفق باشید